

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

هنوز

مخمس بر غزل مرحوم مغفور "پور غنی"

هنوز برگ مرا ، عطر یاسمن باقیست

هنوز باغ ترا ، موج نسترن باقیست

هنوز اشک مرا ، شوق ریختن باقیست

هنوز شمع ترا ، زیب انجمن باقیست

هنوز جان مرا ، ذوق سوختن باقیست

هنوز میشنود گوش جان ، صدای جرس

هنوز مینگرد ، چشم سر به روح و نفس

هنوز میرسد ، مژده هوا و هوس

هنوز میتپدم ، مرغ آرزو به قفس

هنوز دل به هوايش ، به پر زدن باقیست

هنوز نام تو ام ، زیب و زینت سجلم

هنوز کام تو ام ، برگ و بار و آب گلم

هنوز ورد زبان است ، طبع معتدل

هنوز نغمه سرا است ، پرده های دلم

هنوز ساز جنون تو ، در بدن باقیست

هنوز تار محبت تند ، به کارگهش

هنوز نور مودت دمد ، ز هر پگهش

هنوز دام نهد ، تاب موی رگ رگهش

هنوز صید کند عالمی ز یک نگهش
هنوز کشمکش زلف پُر شکن باقیست
هنوز نبض امیدم ، پرندگی دارد
هنوز پای نیازم ، دوندگی دارد
هنوز بوسه شوقم ، چشندگی دارد
هنوز لعل لبش ، نوش زندگی دارد
هنوز عمر خضر را به طعنه زن باقیست
هنوز خورده شرابم ، ز چشم بیمارش
هنوز مست و خرابم ، ز نغز اشعارش
هنوز دست من و ، دامن خریدارش
هنوز ناز فـروشی سزد ، به بازارش
که عصر آرزو و کلبه حزن باقیست
هنوز نرگس و یاس و بنفشه و سنبل
هنوز زلف پریشان و حلقه کاکل
هنوز قامت سرو و هنوز گونه گل
هنوز ناله قمری و ، نغمه بلبل
هنوز جوش طراوت ، درین چمن باقیست
عبث مکن ، تنت افسرده از غم کم و بیش
عبث مده سر شوریده ، از تفاوت کیش
عبث مگو «نعمت» ، حکایت دل ریش
عبث مشو «غنی» دلتنگ نامرادی خویش
ز باقیات جهانت ، اگر سخن باقیست